



۱۱

استقبال بی‌سابقه از پیش فروش بلیت‌های جشنواره فیلم فجر
بحث انصراف از این رویداد را به حاشیه راند

مردم «انصرافی‌ها» را ندیدند

تصویری از رئیس‌جمهور افغانستان منتشر شده
که او را در حال خواندن یکی از متون مهم ادبیات فارسی نشان می‌دهد

تاریخ بیهقی در پرواز کابل - داووس

ماجرای قول «حاج قاسم» به آیت‌ا... رسولی محلاتی

فرهنگ

چهارشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۸۳



۱۲

جامعه

پشت صحنه

موتر داران!

🔗 امروز که نگارنده نشست و ستون پشت صحنه دیروز را خواند، محکم زرد روی دست خودش و گفت ای دل غافل! چه نشسته‌ای که دیروز این ستون که باید هر طور شده حقایق موجود در تحریریه را بنویسد، قربانی شیطنت و شوخی‌های برخی عناصر شده است. هر چه کردم، دیدم اگر نویسم اصل ماجرا چه بوده خوابم نمی‌برد! بداندید و آگاه باشید که دیروز نوشته شده بود یکی از اعضای گروه - که البته می‌شود به تعبیر چهارمقاله نظامی عروضی، گرگ پیر نامیدش- با خودروسازان در تماس بوده و ...

این گرگ پیر هر چند خودروی صفر دارد و خانه و بگذریم اما تماس هایش با خودروسازان برای خودروی نو خریدن همان جناب نویسنده ستون بوده! حالا ببینید ما کجا نشسته ایم و کشف حقیقت چقدر دشوار است.

اصلا وقتی نمی‌شود همین حقیقت ساده را میان همکاران گرامی کشف کرد، چه باید کرد و چگونه نوشت. همین قدر برایتان بگویم که به قول دوستان افغانستانی ام، دوستان موتردار با هم درگیر شده بودند و بر سر صفرها و قیمت‌های ماشین هایشان با هم بحث و شیطنت راه انداخته بوده‌اند.

خلاصه که همه موتر دارن و بی موتر ماییم...! بگذریم و برویم سراغ سوزنه‌های امروز.

خب برویم سراغ بداندید و آگاه باشید بعدی که مجاری صفحامتان باشد. در همین صفحه ۹ یکی از افراد فوق رفته سراغ يك سوزنه مهم.

محمد صادق علیزاده، دبیر گروه‌مان که از هواپیما و موشك گرفته تا فضای مجازی و کتاب‌های خفن را خوب می‌شناسد، نشسته و دیده گروه‌های مختلفی در لبنان و یمن کلیپ‌های جالب و تاثیرگذاری درباره حاج قاسم سلیمانی تولید کرده‌اند، اما ما در ایران هنوز اندرخم يك کوچه‌ایم و تصویر منتشر نشده از حاج قاسم در برف و کوه و بیابان و حرف زدن با نوه‌اش را منتشر می‌کنیم.

نه این‌که اینها بد باشد، خیلی هم خوب است، اما برای يك قهرمان وطن کم است و به قهرمان باید در حد قهرمان پرداخت. خلاصه عزیزان رفته سراغ این ماجرا و تحلیلش کرده. در همین صفحه بخوانید.

نفر بعدی ماجرای فوق، یعنی صابر محمدی رفته سراغ عکس کتابخوانی

اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان که مقابل دوربین با لبخندی برب لب بیهقی خوانده است.

صابر خان که چند ماه پیش به شهردار رشت هم سربك عکس مشابه پرداخته بود امروز رفته و جناب غنی را بقه کرده است. بروید صفحه ۱۰ و بخوانید.

امید رحمانی هم در صفحه ۱۰ رفته سراغ ماجرای فروش بلیت‌های

جشنواره فجر و در صفحه ۱۲ هم محمدرضا کابینی در صفحه نسبتا تاریخی رفته سراغ فرزند آیت‌ا... رسولی محلاتی و با او درباره پدرش حرف زده است. 🔗

ادای احترام یکی از مجاهدان عراقی به تصویر حاج قاسم سلیمانی در بزرگ نماهنگ عربی



سوگند به خون سلیمانی

کلیپ‌های حماسی لبنانی و یمنی راجع به حاج قاسم در برهوت تولیدات فرهنگی ایرانی با استقبال زیادی روبه‌رو شده است

نمونه‌اش همین گروه مقاومت نجباء در عراق و بعضی دیگر از گروه‌های مجاهد که حتی در زمان حیات حاج قاسم هم به رسم تشکر از زحماتی که حاج قاسم در حمایت از مجاهدان عراقی و نبرد با داعش و بیرون راندن این گروه تروریستی از خاک عراق کشیده بود دست به تولید بعضی نماهنگ‌ها خطاب به حاج قاسم زدند.

سلمان سلیمانی

در یکی از این نماهنگ‌ها که با موسیقی و شعر پر ضرب عربی همراه شده است از قول پیامبر اکرم (ص) نقل می‌شود که سلمان فارسی از اهل بیت (ع) پیامبر(ص) شمرده شده و در ادامه هم حاج قاسم از جمله وارثان پرهیزکاران تاریخ معرفی شده که مجاهدان عراقی به او افتخار می‌کنند. در ادامه او را شکنده گردن گردنکشان می‌مانند تروریست‌های داعشی معرفی می‌کنند که از جهاد در راه خدا خسته نمی‌شود و جهاد در رکاب او برترین اعمال است. راستی این را بگویم که تصویر کارور این صفحه از همین نماهنگ انتخاب شده است.

انتخاب با شما

اینجا را گفتیم که بگویم احتمالا باید به آن کاربر اینستاگرامی حق داد که نمونه‌ای از این کلیپ‌ها و نماهنگ‌ها را در صفحه خودش منتشر و آن را مقایسه کند با وضعیت تولید محتوا در داخل ایران که این روزها خلاصه شده به انتشار تصاویر و ویدئوهای خام از حاج قاسم که یکی میان برف است و دیگری نوزادی را در آغوش گرفته و ... حالا خودتان را بگذارید جای مخاطب! اقدام يك از این دو گونه را بیشتر می‌پسندید؟ 🔗

بخوانید:
ای قاسم! قسم می‌خوریم که آرام نگیریم! موشك آتشین در کمین است!
ای آمریکا! ارتش تو را به آتش خواهیم کشید!
و میدان نبرد را به لرز در خواهیم آورد...
ای ابومهدی! برای انتقام کمی صبر کن!
دین خود را به تو ادا خواهیم کرد و به آن اکتفا نمی‌کنیم!

دشمنان ترسو منتظر انتقام ما باشند!
اگر همه عالم در مقابل ما صف‌آرایی کنند...
شمشیر انتقام در نیام نخواهد نشست!
ای مقدس‌ترین قطره‌های خون!
ای روح حق! ای سلیمانی!
قرمز برای ما مقدس‌ترین رنگ است...
و خون انقلابیون سرد نخواهد شد!

ای قاسم! قسم می‌خوریم که آرام نگیریم! موشك آتشین در کمین است!
ای آمریکا! ارتش تو را به آتش خواهیم کشید!
دسته گل مشترک یمنی و لبنانی

این اما تنها کلیپی نیست که مجاهدان عرب برای شهید سلیمانی تولید کرده‌اند. «قسم بدماء سلیمانی» از دیگر نماهنگ‌هایی است که این روزها دارد دست به دست می‌چرخد. این نماهنگ، کاری مشترک از يك گروه لبنانی به نام اراز و بخش فرهنگی و رسانه‌ای انصارا... یمن است. نکته جالب در این نماهنگ آن‌که حساب کاربری یوتیوب انصارا... یمن، این نماهنگ را به صورت زیرنویس فارسی هم منتشر کرده است.

احتمالا برایتان جالب باشد بداندید گروه‌های مجاهد عرب اعم از لبنان و سوریه و عراق، صرفا بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی سراغ او نرفته بودند.

🔗 «بابا باشه! شما خفن بقیه ضعیف! خب عزیزم اول پخش کن بعد ادعا کن! امثال شما تایه کلیپ دست‌تون می‌رسه با وضعیتي کاملا خودنایفه پندار در عرصه رسانه با کنایه پخش می‌کنین! یکم این تکبر رو کنار بذارین وبه وظیفه تون عمل کنین!» این کامنتی است که کاربری به نام رضامکانیک پای یکی از پست‌های اینستاگرام گذاشته است. پستی که یکی از کلیپ‌های عربی تولید شده توسط لبنانی‌ها را منتشر کرده و در ادامه هم از این گلایه کرده است که چرا گروه‌ها و مراکز فرهنگی ایرانی در این روزها توجهی به تولید محصولات با کیفیت نظیر این کلیپ لبنانی ندارند و بیشتر به بازانتشار صرف بعضی ویدئوهای معمولی از شهید سلیمانی روی آورده‌اند. طبق معمول چنین پست‌هایی هم در بخش نظرات، بحث داغی بین موافقان و مخالفان این گزاره شکل گرفته است از جمله آقای رضامکانیک که از ظواهر امر بر می‌آید با ادعای نویسنده پست مخالف است. واقعا چرا این‌گونه است؟!

این انتقاد که گروه‌ها و مراکز فرهنگی در ایران با مفاهیمی از این دست، برخورد جذاب هنرمندانه ندارند مربوط به امروز و دیروز نیست. سال‌هاست این نقد به گوش می‌خورد که نهاد‌های تبلیغاتی و فرهنگی به رغم اندوخته بزرگی که از فرهنگ دفاع مقدس و ذخایر آن باقی مانده، اما پرداخت مناسب و هنرمندانه‌ای درباره آن صورت نمی‌دهند و صرفا اطلاعات را به صورت خام به افکار عمومی عرضه کرده‌اند. حالا این روزها و همزمان با شهادت شهید قاسم سلیمانی دوباره سر این بحث‌ها باز شده است.

همان روزهای نخست بعد از شهادت شهید سلیمانی که رسانه‌های ایرانی در بهت و حیرت به سر می‌بردند و به اصطلاح خودمان، قفل کرده بودند يك کلیپ عربی به شدت داشت میان نه فقط ایرانی‌ها بلکه بین مسلمانان و علاقه‌مندان دست به دست می‌شد. ما هم همان روزها این کلیپ را دیدیم. يك کلیپ با زبان و شعر مطمئن و يك موسیقی پر ضرب عربی. تصور ما این بود این کلیپ هم کار بخش رسانه‌ای حزب ا... لبنان و تلویزیون المنار است که خب فرض اشتباهی بود. یکی دو روز بعد بود که متوجه شدیم این نماهنگ کار لبنانی‌ها نبوده و این مرتبه گروه انصارا... یمن و نیروهای خلاق و خوش ذوق رسانه‌ای و فرهنگی‌شان بوده که در این هجوم غم و اندوه، دست به کار شده‌اند و این حجم از سوگ را به حماسه تبدیل کرده‌اند. خب صفحات روزنامه این قابلیت را ندارند که این کلیپ و ترکیب هنرمندانه صوت و تصویر آن را در صفحات فرهنگی قرار دهیم.

همان روزهای نخست بعد از شهادت شهید سلیمانی که رسانه‌های ایرانی در بهت و حیرت به سر می‌بردند و به اصطلاح خودمان، قفل کرده بودند يك کلیپ عربی به شدت داشت میان نه فقط ایرانی‌ها بلکه بین مسلمانان و علاقه‌مندان دست به دست می‌شد. ما هم همان روزها این کلیپ را دیدیم. يك کلیپ با زبان و شعر مطمئن و يك موسیقی پر ضرب عربی. تصور ما این بود این کلیپ هم کار بخش رسانه‌ای حزب ا... لبنان و تلویزیون المنار است که خب فرض اشتباهی بود. یکی دو روز بعد بود که متوجه شدیم این نماهنگ کار لبنانی‌ها نبوده و این مرتبه گروه انصارا... یمن و نیروهای خلاق و خوش ذوق رسانه‌ای و فرهنگی‌شان بوده که در این هجوم غم و اندوه، دست به کار شده‌اند و این حجم از سوگ را به حماسه تبدیل کرده‌اند. خب صفحات روزنامه این قابلیت را ندارند که این کلیپ و ترکیب هنرمندانه صوت و تصویر آن را در صفحات فرهنگی قرار دهیم.

غمگین نباشید

يك کاربر عرب زیر پست یوتیوبی این کلیپ چنین کامنتی گذاشته: «کسی غمگین نباشد که به شیر مظلوم خیانت شده! شیر محور مقاومت! سوگند که اگر پاسخ برای جنگ همه جانبه در خاورمیانه و منطقه هزینه داشته باشد ما آن را می‌خواهیم. يك کاربر عرب دیگر هم نوشته: «به خدا سوگند، قاسم سلیمانی و



محمدصادق علیزاده
فرهنگ و هنر

این در حالی است که جریان موسیقی رزمی و حماسی برگرفته از انقلاب ۵۷ سال هاست از ایران و از میان موسیقی ایرانی رخت بر بسته و کمتر به آن توجه می‌شود.

در نقطه دوم که از نقطه اول و فرمی مهم تر به نظر می‌رسد، ملموس بود و خط مقدم بودن جبهه نبرد با آمریکا و صهیونیسم برای هنرمندان عراقی، یمنی، لبنانی و فلسطینی است.

هنرمندانی که نبرد را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند شهادت امثال حاج قاسم سلیمانی را دیگر بهانه‌ای برای اشک و رشک نمی‌دانند بلکه آن را حماسه‌ای برای ادامه مسیر می‌دانند چه این‌که در اغلب آثار منتشر شده از طرف گروه‌های مختلف بر ادامه راه و انتقام سخت تاکید شده است.

این که هنرمند امروزی ما اعم از هنرمند موسیقی، تجسمی و نمایشی ما با صحنه نبرد ملموس نیست و آن «آن» را درک نکرده، نمی‌توان به او خرده گرفت که چرا رشک و اشک می‌سراید و این وظیفه را متوجه مسؤولان امری می‌کند که در کنار دفاع از حرم باید راه را برای مدافعان فرهنگی حرم باز می‌کردند و بکنند تا آنها با گوشت و پوست خود واقعیت صحنه را درک کنند و آگاه است که می‌توان امیدوار بود هنرمند ما از رشک و اشک به حماسه و انتقام سخت برسد. 🔗

یادداشت

سجاد اسلامیان
مسؤول بخش بین‌الملل دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب

هنر تبدیل غم بزرگ به حماسه

🔗 در روزهای اخیر و هر چه از شهادت حاج قاسم سلیمانی دورتر می‌شویم آثار هنری به ویژه در حوزه موسیقی در جهان عرب درباره شهادت این شهید بزرگوار و دوست عراقی‌اش شهید ابومهدی المهندس بیشتر و بیشتر می‌شود. از گروه‌های عراقی و حشد الشعبی بگیر تا گروه‌های مقاومت در حزب ا... لبنان و انصارا... یمن تا جریان‌های مقاومت در فلسطین و غزه همه به جای سرودن غنما‌های رشک و اشک، از حماسه و انتقام سخت و وفاداری سروده‌اند.

برای آن که بدانیم چرا بیشتر آنچه در این روزها در عراق، لبنان، یمن، فلسطین و حتی پاکستان و بوسنی تولید شده حماسی است باید از دو بعد به این منظر نگریست. اولاً از بعد موسیقایی: موسیقی این روزها میراث‌دار موسیقی چپ در جهان عرب است که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی با جریان‌های ناسیونالیسم عرب ممزوج شده و آخرین میراث‌داران آن خوانندگانی چون جولیا پطرس هستند و همین موسیقی بعد از دهه ۸۰ با میراث موسیقی برگرفته از انقلاب ۵۷ (که خود تلفیق موسیقی چپ و موسیقی ایرانی است) تلفیق شده و تبدیل به جریان موسیقی حزب ا... لبنان شده است و در یکی دو دهه گذشته این دو جریان موسیقی اسلامی و چپ در کنار هم یک معنا را تولید می‌کنند.

این در حالی است که جریان موسیقی رزمی و حماسی برگرفته از انقلاب ۵۷ سال هاست از ایران و از میان موسیقی ایرانی رخت بر بسته و کمتر به آن توجه می‌شود.

در نقطه دوم که از نقطه اول و فرمی مهم تر به نظر می‌رسد، ملموس بود و خط مقدم بودن جبهه نبرد با آمریکا و صهیونیسم برای هنرمندان عراقی، یمنی، لبنانی و فلسطینی است.

هنرمندانی که نبرد را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند شهادت امثال حاج قاسم سلیمانی را دیگر بهانه‌ای برای اشک و رشک نمی‌دانند بلکه آن را حماسه‌ای برای ادامه مسیر می‌دانند چه این‌که در اغلب آثار منتشر شده از طرف گروه‌های مختلف بر ادامه راه و انتقام سخت تاکید شده است.

این که هنرمند امروزی ما اعم از هنرمند موسیقی، تجسمی و نمایشی ما با صحنه نبرد ملموس نیست و آن «آن» را درک نکرده، نمی‌توان به او خرده گرفت که چرا رشک و اشک می‌سراید و این وظیفه را متوجه مسؤولان امری می‌کند که در کنار دفاع از حرم باید راه را برای مدافعان فرهنگی حرم باز می‌کردند و بکنند تا آنها با گوشت و پوست خود واقعیت صحنه را درک کنند و آگاه است که می‌توان امیدوار بود هنرمند ما از رشک و اشک به حماسه و انتقام سخت برسد. 🔗